

اعتراف سنتکام به هلاکت ۲ نظامی تروریست آمریکایی

سنتکام به هلاکت دو نظامی تروریست آمریکا در اردن در حمله تلافی جویانه ایران اعتراف کرد. سازمان تروریستی سنتکام در بیانیه‌ای رسمی، جزئیات تلفات نظامیان تروریست آمریکا در اردن را در پی حملات پهبادی و موشکی تلافی جویانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد. بنا به اعتراف سنتکام، در این حملات، دو نظامی آمریکایی به هلاکت رسیده و یک نظامی دیگر همچنان مفقود است. سنتکام افزود که چهار نظامی مجروح به بیمارستان‌های اردن منتقل و پس از درمان مرخص شدند؛ سایر افرادی که دچار جراحات سطحی بودند نیز به پست‌های خود بازگشتند.

۶



رهبر معظم انقلاب در پیام تبیین مسائل مهم کشور تاکید کردند:
ملت درس‌های فراموش نشدنی برای جنگ افروزی آمریکا دارد.

اصرار بر حفظ اتحاد مقدس

حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در پیامی خطاب به ملت شریف ایران فرمودند: همزمان با این حماسه، نقض عهدهای مکرر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضا شده بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا بار دیگر این حقیقت را به همگان ثابت کرد که امضای رئیس‌جمهور آمریکا چقدر بی‌ارزش و نامعتبر است و زورگوئی، تمامیت‌خواهی و وحشی‌گری، اجزاء لاینفک مرام و مسلک آمریکایی می‌باشد. امروز شیطان بزرگ بار دیگر چهره‌ی واقعی و بدون نقاب خود را آشکار کرده تا این تجربه‌ی تاریک از جنایت و بدعهدی، سند محکم دیگری بر دروغ‌گویی، غیرمنطقی و غیرقابل اعتماد و پلید بودن آمریکا باشد. اکنون که دشمن آمریکایی به دنبال جنگ افروزی و تحمّل هزینه‌های سنگین تروبی آبروئی بیشتر است، بدانند که ملت عزیز ایران و جبهه‌ی مقاومت، درس‌های فراموش نشدنی برای او دارد که رشادت‌های رزمندگان اسلام و غیرت مردمان شجاع خطه‌ی جنوب در این روزها نمونه‌هایی از آن را نشان داده است.

۲



حکم حبس برای زنگنه

۲

خشم ایران در انتظار شیوخ خائن

۷



تلقی غلط «زد و خورد» از جنگ تمام‌عیار

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

صفحه ۴

بین‌الملل

خلیج فارس، باتلاق نیروهای آمریکایی

توهم اشغال خاک ایران، نسخه‌ای است که از برژینسکی در دوران کارتر تا تندروهای امروز کاخ سفید بارها روی میز رؤسای جمهور آمریکا قرار گرفته، اما هر بار واقعیت‌های میدانی و جغرافیای ایران آن را به بایگانی شکست فرستاده است.

صفحه ۴

اقتصادی

دولت در مسیر گرانی بنزین؟

پس از اجرای نرخ سوم ۵ هزار تومانی بنزین در سال گذشته و در حالی که این تصمیم نتوانست مصرف را مهار کند، اکنون یک نماینده مجلس از برنامه دولت برای افزایش ۱۰۰ درصدی دوباره قیمت این نرخ از ابتدای مرداد خبر می‌دهد.

دیگر خبری از مارش‌های نظامی در رسانه نیست و تلاشی برای نشان دادن وضعیت دفاع سراسری و مقدس وجود ندارد. حملات سنگین آمریکا به جنوب، جنوب غرب، جنوب شرق و حتی نقاط مرکزی کشور، انگار برای برخی مسئولان یک «زد و خورد» محدود و معمولی است، نه یک جنگ واقعی با هدف فلج کردن زیرساخت‌ها. این رویکرد، کشور را در یک فضای ذهنی خاکستری قرار داده که نه جنگ است و نه صلح، و دقیقاً همین ابهام، هوشیاری لازم را از مسئولان و مردم سلب می‌کند و زمینه‌ساز خسارات عظیم خواهد شد.

متن کامل در صفحه ۷

رهبر معظم انقلاب در پیام تبیین مسائل مهم کشور تاکید کردند: ملت درس های فراموش نشدنی برای جنگ افروزی آمریکا دارد.

اصرار بر حفظ اتحاد مقدس



باشند. به نظر بنده، در عین اینکه این اهتمام و نگرانی ایشان برای نظام همچون اشخاص خودشان، سرمایه‌ی ارزشمندی بشمار می‌آید و فی نفسه امری مطلوب قلمداد می‌شود، این عزیزان که بعضی از ایشان از زمره‌ی پیشروان بصیرت هستند باید مراقب باشند تا این رویکرد، اولاً ظلمی را بر بی گناهی رواندارد که آن خود منشأ محرومیت از برکات و عنایات می‌گردد؛ و ثانیاً موجب شکست در وحدت و انسجام اجتماعی نگردد؛ که با حفظ این جهات، انتقاداتها موجب رونق و شکوفایی امور خواهد شد. دشمن نباید هیچ علامت ضعفی و از جمله این ضعف را از ما دریافت کند؛ که هرگاه ما این مراقبت‌ها را به طور کامل مراعات نماییم، او به ناچار رو به هزیمت خواهد گزارد. بار دیگر از یکایک مردم عزیز که خود، صاحب عزای پدر شهید امت هستند و با وجود دشواری‌ها و برخی محدودیت‌ها و ناملایمات در رویداد عظیم بدرقه‌ی آقای شهید ایران، حماسه‌ای تاریخی خلق کردند صمیمانه قدردانی می‌کنم. همچنین از مراجع معزز تقلید، علما، اندیشمندان و نخبگان، فعالان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و از اقدامات و تلاش‌های نهادهای کشوری و لشکری و نیز حضور مقامات و نمایندگان جبهه‌ی سرافراز مقاومت و نهضت‌های پرافتخار اسلامی تشکر می‌کنم. امید است همه‌ی کسانی که در این حماسه‌ی تاریخی به هر نحوی حضور و همراهی و همدلی داشته‌اند، مشمول عنایت و دعای خاص سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف باشند.

سید مجتبی حسینی خامنه‌ای
۲۶/تیر/۱۴۰۵

تا این تجربه‌ی تاریک از جنایت و بدعهدی، سند محکم دیگری بر دروغ‌گویی، غیرمنطقی و غیرقابل اعتماد و پلید بودن آمریکا باشد. اکنون که دشمن آمریکایی به دنبال جنگ افروزی و تحمّل هزینه‌های سنگین تروبی آبرویی بیشتر است، بداند که ملت عزیز ایران و جبهه‌ی مقاومت، درس‌های فراموش نشدنی برای او دارد که رشادت‌های رزمندگان اسلام و غیرت مردمان شجاع خطه‌ی جنوب در این روزها نمونه‌هایی از آن را نشان داده است.

لازم است به شما مردم باوفا و سرافراز ایران عرض شود که از جمله اصولی‌ترین امور در این برهه، اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدس در همه‌ی سطوح مردم و مسئولان و در تمام عرصه‌ها برای تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تأمین عزت و استقلال ایران عزیز خصوصاً در برابر دشمن جنایتکار و حيله‌گر آمریکایی است. همانگونه که پیش از این مکرراً و مؤکداً تذکر داده شد، صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه و تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی وظیفه‌ی همگانی است و البته نقش مسئولان و عناصر دلسوز و دلباخته‌ی انقلاب و امام و رهبر شهید در انسجام و یکپارچگی کشور، مهم‌تر و حساس‌تر است.

براین اساس ملت عزیز، با تداوم بر اعتماد به مسئولان دلسوز در هر سه قوه که تلاش ایشان برای رفاه و سعادت ملت، مشهود می‌باشد، همچنان برای تضمین صیانت از منافع ایران اسلامی، هوشیار و فعال در میدان خواهد بود. ممکن است کسانی با اخلاص تمام و از سر خیرخواهی، انتقاداتی نسبت به عملکرد بعضی از مسئولین داشته

گروه سیاسی
نوبنیاد

حضرت آیت‌الله‌عزیز مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب درباره‌ی حماسه عظیم بدرقه آقای شهید ایران و تبیین مسائل مهم کشور پیامی را منتشر کردند. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم
ملت عظیم الشان
و شگفتی‌ساز ایران
سلام و درود و سپاس بر شما که با حماسه‌ی بی نظیر و تاریخی خود در رستاخیز بی سابقه‌ی بدرقه‌ی آقای شهید ایران، نصاب تازه‌ای از جلوه‌ی بعثت و اراده‌ی مستحکم هویت اسلامی-ایرانی را در قدرشناسی، وفاداری، بصیرت، و ابراز محبت فوق‌العاده به زعیم امت اسلامی و رهبر شهید انقلاب ثابت کردید. گرمای دل‌های گداخته، چشمان اشکبار و عزم‌های استوار جمعیت ده‌ها میلیونی و ده‌ها کیلومتری در تهران، قم، مشهد، و سایر شهرها و روستاها، دوستان ملت ایران و مردم آزاده‌ی جهان را به تحسین و دشمنان مستکبر ملت ایران را به حیرت و سرگردانی و خشم و وحشت انداخت. همزمان با این حماسه، نقض عهد‌های مکرر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضا شده بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا بار دیگر این حقیقت را به همگان ثابت کرد که امضای رئیس‌جمهور آمریکا چقدر بی‌ارزش و نامعتبر است و زورگوئی، تمامیت‌خواهی و وحشی‌گری، اجزاء لاینفک مرام و مسلک آمریکایی می‌باشد. امروز شیطان بزرگ بار دیگر چهره‌ی واقعی و بدون نقاب خود را آشکار کرده

خبر کوتاه

بزرگداشت رهبر شهید از سوی جمعی از مراجع برگزار شد

مراسم بزرگداشت رهبر شهید انقلاب اسلامی از سوی آیات عظام فاضل لنکرانی، جوادی آملی، سیستانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی برگزار شد. مجلس بزرگداشت شهادت مظلومانه مرجع عالیقدر جهان تشیع و قائد عظیم الشان انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌عظمی سید علی خامنه‌ای (قدس سره) و اعضای شهید خانواده ایشان، از سوی آیات عظام فاضل لنکرانی، جوادی آملی، سیستانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی برگزار شد.

محسن رضایی: سیاست «هم جنگ هم مذاکره» تمام شد

سرلشکر محسن رضایی گفت: طی دو تا سه هفته درباره پرداخت ۱۲ میلیارد دلار مذاکره شد، اما ابتدا اعلام کردند وام پرداخت نمی‌شود، سپس خرید را به غذا و مواد اولیه محدود کردند و در نهایت شرط کردند که همان کالاها نیز از آمریکا خریداری شود؛ بنابراین عملاً ایران از این ۱۲ میلیارد دلار بهره‌ای نمی‌برد. از همین رو پیش از اعلام رسمی نیز گفته بودم ترامپ این تفاهمنامه را پاره خواهد کرد، زیرا عملاً چیزی از آن باقی نمانده بود. مشاور نظامی فرمانده کل قوا گفت: آمریکایی‌ها از ابتدا قصد اجرای تفاهمنامه را نداشتند و تنها می‌خواستند با فشار، ایران را به پذیرش خواسته‌های خود وادار کنند. با وجود تشکیل کمیته حل اختلاف با حضور نخست‌وزیر پاکستان و امیر قطر، آنان هرگز به این سازوکار مراجعه نکردند، زیرا می‌دانستند به دلیل تخلفات خود محکوم خواهند شد و به همین دلیل سیاست «هم جنگ و هم مذاکره» را در پیش گرفتند. وی خاطر نشان کرد: دشمن پس از شش تا هفت روز جنگ، در پی اجرای ابتکاری جدید در کنار محاصره دریایی است؛ از جمله حمله به خارک، حمله مجدد به تأسیسات هسته‌ای با اشغال بخشی از خاک ایران تا از این طریق در مذاکرات امتیاز بگیرد، اما سیاست «هم جنگ و هم مذاکره» پایان یافته است.

متقی‌فر: موضوع تنگه هرمز باید از مذاکرات خارج شود

سخنگوی جبهه پایداری با تأکید بر اینکه موضوع تنگه هرمز به هیچ وجه نباید در دستور کار مذاکرات قرار گیرد، گفت: آمریکا بار دیگر نشان داد حتی به امضای خود نیز پایبند نیست و تجربه ثابت کرده مذاکره با این کشور نتیجه‌ای در پی ندارد. مجید متقی‌فر، سخنگوی جبهه پایداری، با اشاره به موضوع تنگه هرمز، اظهار داشت: تنگه هرمز بخشی از سرزمین و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است و موضوعی نیست که درباره آن مذاکره شود. وی با بیان اینکه «در موضوع تنگه هرمز هیچ وجه اشتراکی با آمریکایی‌ها نداریم»، افزود: ما سرزمین خود را به مذاکره نمی‌گذاریم و این مسئله اساساً قابل چانه‌زنی نیست. متقی‌فر همچنین با انتقاد از عملکرد آمریکا در توافقات گذشته، تصریح کرد: برای چندمین بار آمریکا ثابت کرد حتی به امضای خود نیز پایبند نیست و تعهداتش را زیر سؤال می‌برد؛ بنابراین تجربه نشان داده است که مذاکره با این کشور، نتیجه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران نخواهد داشت.

یادداشت

مرز تا مغز جلو آمده

محمد فخر
روزنامه‌نگار

تجزیه واژه‌ی ترسناکی ست. اصلاً تجزیه طلب هم ردیف قاتل و قاچاقچی قرار می‌گیرد. حتی آن رقاصه‌های پهلوی هم جرئت ندارند امروز به صراحت از تجزیه ایران صحبت کنند. قضایای بحرین و آزارات را هم با لگد به زیرفرش می‌برند تا کسی متعرض نشود. اما مگر تجزیه فقط با لشکرکشی ممکن است. مثلاً اگر امروز استان الانبار بگوید دیگر با حکومت عراق نسبتی ندارد، طرف حسابش با ارتش است؛ اما اگر یک جوان عراقی فرانسه را قبله‌آمال ببیند و از لهجه عربی‌اش شرم بگیرد چه. مگر می‌شود پر مغز و قلب آن جوان هم لشکرکشید. تجزیه امروز دیگر فقط در لب مرزها اتفاق نمی‌افتد که چند برج دیدبانی و سیم خاردار اضافه خطر را دفع کند. امروز تجزیه از داخل و بر مغزها اتفاق می‌افتد. مردگان متحرکی که هر چه پیرامون‌شان رخ دهد نسبتی نمی‌گیرند. آنان از درون مرزها تجزیه شدند. سالها قبل غیرفوتبالی‌ها هم در جواب آبی هستی یا قرمزیک جواب ثابت داشتند؛ من طرفدار تیم ملی هستم. فوتبال با همه‌ی نواقص و رذالت‌هایش اما ضربان قلب ملتی گره خورده است. بیراه نیست اگر بگوییم فوتبال هم بخشی از هویت ماست. اصلاً این کلمه پرطمطراق هویت یعنی چه؟ شهید مطهری هویت را مجموعه‌ی دردهای مشترک یک ملت می‌نامد. دردی که از شمال و تا جنوب و حتی بیرون مرزهای ایران حس شود. حتی آن دورگه‌ی مکزیکی که به سختی فارسی می‌فهمد خودش را به استادیوم برساند چون از اعماق قلبش درد مشترکی با بچه‌ی آبادان دارد. مگر نه آنکه هر توییپ از خط دروازه رد میشد ایرانی به لرزه در می‌آمد یا به سکوت می‌رفت؟ مگر نه آنکه حسرت صعود از مرحله حذفی درد مشترک هر ایرانی بود؟ پس آنکه به این درد بی‌حسی می‌زنند خائن به هویت است.

بخشی از اراضی مغزهای تجزیه شده حاصل فریادهای مزدک و اینترنشنال و تحقیرهای عادل است. آن‌آنکه امروز پس از حذف تیم ملی درد مشترکی با ما حس نمی‌کنند از داروی بی‌حسی جماعت خود باخته مصرف کردند. به همین راحتی و البته پس از سالها تولید ادبیات، یکی از عناصر هویت ایرانی در مغز بعضی تجزیه شد و به فتوحات دشمن پیوست. به همین راحتی هم پل و نیروگاه و پالایشگاه غیر خودی تلقی می‌شود. همانطور که تیم ملی را برای جمهوری اسلامی خواندند، زیرساخت و خاک را هم برای این نظام اسلامی حقنه می‌کنند. همانطور که ۱۴۰۱ غیرت را هم برای مسلمانان خواندند و خود را فاقد ناموس معرفی کردند، وطن و سقف را هم برای جهان سوم می‌خوانند و هدف زندگی را لذت زیست غربی در چادر مهاجرین در اروپا می‌نامند. تجزیه طلب اما همچنان هم ردیف قاتل و قاچاقچی است؛ همانطور که خرمشهر را پس گرفتیم مغزهای از دست رفته را هم باید از این جماعت دور نگه داریم.

رسانه

نباید مدیریت تنگه هرمز

را با محاصره دریایی تاخت بزنینم

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان در خصوص محاصره دریایی مجدد توسط ترامپ و تهدیدات آمریکا، گفت: وقتی ما تنگه هرمز را بستیم که البته باید از خیلی وقت پیش این کار را می‌کردیم، طبیعی است که رگ حیات اقتصاد جهانی بسته شود. بعد از اینکه نتوانستند با عملیات نظامی تنگه را باز کنند، تصمیم به محاصره دریایی گرفتند. وی ادامه داد: نکته مهم این است که محاصره دریایی یک اقدام غیرقانونی است و ترامپ صراحتاً از آن تحت عنوان دزدی دریایی یاد کرده است. اما بستن تنگه یک حق قانونی برای ما است و در دو کنوانسیون بین‌المللی ژنو و جامائیکا نیز به رسمیت شناخته شده است. شریعتمداری خاطرنشان کرد: نباید به این فکر بود که تنگه را که حق قانونی ماست، با محاصره دریایی که نوعی دزدی دریایی است تاخت بزنینم. مدیرمسئول روزنامه کیهان با اشاره به اینکه آمریکایی‌ها به تنگ آمده و تحمل ادامه ماجرا را ندارند، تصریح کرد: اگر به قول رهبر شهیدمان مقاومت کنیم حتماً به یک نتیجه می‌رسیم.

✓ حکم قصاص قاتل شهید سلمان امیراحمدی اجرا شد



جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱، تعدادی از اغتشاشگران در محله فلاح تهران با ایجاد راهبندان و آشوب، نظم عمومی را برهم زدند. در پی این اقدامات، نیروهای

حافظ امنیت برای بازگشایی مسیر و متفرق کردن اغتشاشگران وارد عمل شدند. همزمان با حضور نیروهای حافظ امنیت، تعدادی از اغتشاشگران با ورود به پشت بام برخی منازل، اقدام به پرتاب سنگ و آجر به سمت نیروهای حافظ امنیت کردند. در این میان، عارف خوشکار که اسلحه ساچمه‌ای به همراه خود آورده بود، به سمت نیروهای حافظ امنیت شلیک کرد و در جریان این تیراندازی، سلمان امیراحمدی بر اثر اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای به ناحیه سر به شدت مجروح شد و با وجود انتقال به

با اعلام رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، بیژن زنگنه و مهدی هاشمی در پرونده کرسنت به حبس محکوم شدند

حکم حبس
برای زنگنهجعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

کمیسیون اصل ۹۰ مجلس جزئیات دیگری از پرونده کرسنت را افشا کرد.

حجت‌الاسلام پژمانفر رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در ویراستی نوشت: دشمنان با هدف ناامید کردن ملت، به ساخت اخبار دروغین روی آورده‌اند. ادعای تیرئه زنگنه و تیم او کذب محض است. وی افزود: حکم بدوی اگر چه از نظر ما ضعیف است اما صادر شده و پرونده در مرحله تجدیدنظر است که مدتی بعد صادر خواهد شد. به گفته پژمانفر در این پرونده، برای هشت نفر حکم صادر شده:

بیژن نامدار زنگنه: یک سال مهدی هاشمی رفسنجانی: یک سال

شش نفر دیگر هر کدام سه سال و همه محکوم به انفسال دائم از خدمات دولتی وی افزود: کمیسیون اصل نود مجلس پیگیر برخورد شدید با افراد و جریان‌هایی که این اکاذیب را منتشر می‌کنند، خواهد بود.

متهمان به دنبال سوراخ موش

دو سال پیش تیرماه سال ۱۴۰۳ و زمانی که هجمه اصلاح‌طلبان علیه سعید جلیلی در موضوع کرسنت پس از انتخابات ریاست جمهوری شدت گرفته بود، نماینده رهبر معظم انقلاب در پاسخ گفت: نزدیک شدن به موعد اعلام رای دادگاه متخلفان موضوع کرسنت، صداها را در این زمینه بلند کرده است. جلیلی افزود: کسانی که این مباحث را مطرح می‌کنند از فساد و اقدامات صورت گرفته، مطلع هستند و خوشبختانه دادگاه پیگیر این مسائل است و هر چه دادگاه به این افراد نزدیک‌تر می‌شود صدای این افراد بیشتر بلند خواهد شد و این تحرکات فرار روبه جلوس است.

وی درباره فضا سازی‌ها پیرامون دعوت به مناظره درباره کرسنت افزود: در مورد کرسنت که من عرض کردم؛ جای متهم در دادگاه است نه در مناظره. من معتقدم که اگر ابعاد پرونده کرسنت برای مردم عزیز روشن شود متهمان پرونده باید به دنبال سوراخ موش بگردند، آن هم از ترس مردم نه از دادگاه و احکام اینها، از ترس افکار عمومی چرا که باید پاسخ بدهی بابت خیانت‌هایی که صورت گرفته است. خوشبختانه احکام زیادی در پرونده کرسنت صادر شده است و افرادی که در این قضیه متهم بودند محکوم شده‌اند. جلیلی به بررسی پرونده دانه درشت‌ها در قضیه کرسنت اشاره و بیان کرد: حالا رسیدگی دادگاه به آن‌ها هم دارد می‌رسد که بیان خواهیم کرد البته وقتی که نزدیک بشود طبیعتاً صدایشان درمی‌آید و فرار روبه جلومی‌کنند. من همین جا از قوه قضاییه می‌خواهم وقتی دادگاه احکامش طبق قانون صادر شد برای مردم روشن کند که چه موضوعی بوده و چه صورت گرفته است.

✓ خیزِ کروز برای تصاحب سایپا!



بررسی وضعیت تولید سایپا نشان می‌دهد هزاران دستگاه از خودروهای شاهین، اطلس، کوپیک و سهند، به دلیل کمبود برخی قطعات، در پارکینگ‌ها متوقف مانده‌اند. بهمن سال گذشته بود که سایپا به دلیل کمبود قطعه، قادر به تحویل خودروها به

مشتریان خود نبود. علت آن، خودداری شرکت قطعه‌سازی کروز از تأمین قطعات برای سایپا از بهمن ۱۴۰۴ اعلام شد؛ این ماجرا تا امروز ادامه دارد. این موضوع، علاوه بر کاهش تولید، موجب افت درآمد، تشدید کمبود نقدینگی، افزایش هزینه‌های نگهداری خودروهای ناقص و نارضایتی مشتریان شده است؛ عواملی که می‌توانند بر ارزش گذاری این خودروساز در فرآیند واگذاری نیز اثرگذار باشند. جدیدترین آمارهای کدال نشان می‌دهد میزان تولید خودرو شرکت سایپا در بهار سال جاری نسبت به بهار سال گذشته، نصف شده است. طبق آمارها، سایپا در بهار ۱۴۰۴ حدود ۶۰ هزار دستگاه خودرو تولید کرده بود که در بهار امسال این تعداد به تنها ۳۰ هزار خودرو کاهش یافت.

روز گذشته تسنیم در گزارشی نوشت: «براساس

شنیده‌ها، در یکی از جلسات اخیر مربوط به فروش یا واگذاری سایپا، شرکت کروز نیز به عنوان یکی از خریداران احتمالی حضور داشته است؛ خبری که اگرچه هنوز به صورت رسمی تأیید نشده است، اما کنار تحولات ماه‌های اخیر در زنجیره تأمین سایپا، معنای تازه‌ای پیدای می‌کند.» انتشار خبرهای غیررسمی درباره حضور شرکت کروز در جلسات واگذاری سایپا، پرسش‌های تازه‌ای درباره نقش این قطعه‌ساز در بحران تولید این خودروساز مطرح می‌کند.

برخی شواهد، این احتمال را تقویت می‌کند که کاهش تأمین قطعات تنها ناشی از اختلافات مالی نبوده و ممکن است در کاهش ارزش سایپا پیش از واگذاری نقش داشته باشد. براساس آمارها، میزان قطعات تحویلی کروز به سایپا از حدود ۱۸۰۲ میلیون

نوبنیاد گزارش می‌دهد؛

دولت در مسیر گرانی بنزین؟

پس از اجرای نرخ سوم ۵ هزار تومانی بنزین در سال گذشته و در حالی که این تصمیم نتوانست مصرف را مهار کند، اکنون یک نماینده مجلس از برنامه دولت برای افزایش ۱۰۰ درصدی دوباره قیمت این نرخ از ابتدای مرداد خبر می‌دهد؛ موضوعی که علاوه بر آثار اقتصادی، بار دیگر وعده‌های انتخاباتی پزشکian درباره عدم افزایش قیمت بنزین را در کانون توجه قرار داده است.

سرانه بنزین خانواده و تداوم مسیر غلط گذشته، نه به نفع مردم است و نه به نفع دولت شما.»

نگاهی به وعده پزشکian در زمان انتخابات

برنامه دولت برای افزایش قیمت بنزین در حالی مطرح می‌شود که مسعود پزشکian در جریان ایام انتخابات ریاست جمهوری بارها و به صراحت هرگونه برنامه برای افزایش قیمت بنزین را رد کرده بود. پزشکian در ۱۱ تیر ۱۴۰۳ گفته بود: «بنزین را گران نخواهم کرد. از من در رسانه‌ها پخش کرده‌اند که ما بنزین را گران می‌کنیم، در حالی که این طور نیست. بدون رضایت مردم هیچ اقدامی نخواهم کرد و این را قاطع اعلام می‌کنم.» او همچنین در جریان انتخابات افزایش قیمت بنزین را «دروغی بزرگ برای تخریب آرا» توصیف کرد و در یکی از مناظره‌های انتخاباتی نیز تأکید داشت: «قاطعه‌ای می‌گویم من بنزین را گران نخواهم کرد.» پزشکian همان زمان در شبکه اجتماعی ایکس نیز خطاب به سعید جلیلی نوشته بود: «آقای جلیلی، من برنامه‌ای برای گران کردن بنزین ندارم.» او در واکنش به شایعات انتخاباتی گفته بود: «به دروغ می‌گویند من بنزین را گران می‌کنم... من آمدم ام به دروغ‌گویی‌های زشت پایان دهم.» رئیس‌جمهور در برنامه گفت و گوی ویژه خبری ۱۰ تیر ۱۴۰۳ نیز تصریح کرده بود: «اگر قرار است بنزین گران شود، باید خودروی باکیفیت وارد کنیم. نمی‌شود به زور ماشین بی‌کیفیت به مردم بدهیم و بخواهیم قیمت بنزین را هم گران کنیم.»

اصلاح صنعت خودرو به کجا رسید؟

پزشکian نیز سال گذشته با انتقاد از عملکرد خودروسازان، آن‌ها را به اصلاح فناوری تولید ملزم کرد. رئیس‌جمهور در جلسه‌ای با وزیر صنعت، معدن و تجارت تأکید کرد: «اگر تا یک سال آینده موتور خودروها اصلاح و مصرف سوخت بهینه نشود، هیچ‌گونه ارزی دریافت نخواهند کرد و اجازه تولید نیز نخواهند داشت. خودروسازان باید فناوری روز دنیا را خریداری کنند و دولت نیز از این مسیر حمایت خواهد کرد.» با این حال، افزایش قیمت بنزین در حالی مطرح شده که تاکنون این دستور رئیس‌جمهور پیگیری نشده است و خبری از اصلاح صنعت خودرو وجود ندارد و

در شرایط جنگی،

فشار مضاعف به مردم جایز نیست

رضا سپهوند، عضو هیئت‌رئیس کمیسیون

ارتقای کیفیت خودروها، توسعه حمل و نقل عمومی و کنترل قاچاق، نه تنها ناترازی را برطرف نمی‌کند، بلکه آثار توری گسترده‌ای نیز بر اقتصاد کشور خواهد گذاشت. دولت چهاردهم در آذر ۱۴۰۴ با هدف کاهش مصرف و محدود کردن استفاده از کارت‌های سوخت جایگاه‌ها، نظام سه‌نرخ بنزین را اجرا کرد. براساس

این مصوبه، نرخ‌های اول و دوم، یعنی بنزین سهمیه‌ای ۱۵۰۰ تومانی و بنزین آزاد ۲۰۰۰ تومانی، بدون تغییر باقی ماند، اما نرخ سوم برای سوخت‌گیری با کارت جایگاه به ۵۰۰۰ تومان افزایش یافت. استدلال دولت این بود که افزایش نرخ سوم، مردم را به استفاده از کارت شخصی و مدیریت مصرف سوق خواهد داد. با این حال، آمارها نشان می‌دهد این سیاست به اهداف مورد نظر دست نیافته است؛ نه استفاده از کارت جایگاه به شکل محسوسی کاهش یافته و نه روند مصرف بنزین تغییر معناداری کرده است. از همین رو، اکنون خبرهایی از بررسی افزایش دوباره نرخ سوم بنزین مطرح شده است.

روایت مالک شریعتی از سناریوی جدید بنزینی

مالک شریعتی، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، روز گذشته در صفحه شخصی خود در فضای مجازی از تصمیم دولت برای اجرای سیاست جدید بنزینی و افزایش نرخ سوم بنزین به ۱۰ هزار تومان خبر داد. وی نوشت: «برخلاف نظر قطعی مجلس و در مغایرت کامل با ماده ۴۶ قانون برنامه هفتم، متأسفانه سازمان برنامه و بودجه، ایده گران‌سازی بنزین را در دولت با قدرت جلو می‌برد و ظاهراً قرار است از ابتدای مردادماه اجرای آن شروع شود.» این نماینده مجلس با اشاره به تجربه اجرای نرخ سوم در سال گذشته تأکید کرد: «آذرماه ۱۴۰۴ هم با هدف حذف کارت سوخت جایگاه و کاهش مصرف، نرخ سوم ۵۰۰۰ تومانی بنزین اعمال شد، ولی در بهار ۱۴۰۵ همچنان یک‌سوم بنزین کشور توسط کارت جایگاه به فروش می‌رسد و تقاضا هم جزد در بازه جنگ و تعطیلی‌ها، اصلاً کاهش نیافته است.»

شریعتی در ادامه خطاب به رئیس‌جمهور نوشت: «آقای دکتر پزشکian مراقب باشید. علت این همه پافشاری برای تکرار اشتباهات گذشته، فقط یک چیز است؛ نفوذ. کنار گذاشتن طرح عادلانه سهمیه



حمید کمار

روزنامه نگار

پرونده قیمت بنزین بار دیگر به یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصادی کشور تبدیل شده است؛ موضوعی که همواره در کنار آثار بودجه‌ای، پیامدهای اجتماعی و توری نیز داشته است. هرچند دولت چهاردهم طی ماه‌های گذشته بارها اعلام کرده بود که برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین ندارد، اما اکنون اظهارات یک عضو کمیسیون انرژی مجلس از بررسی سناریوی جدیدی برای افزایش نرخ سوم بنزین حکایت دارد. زمانی که حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ ریاست دولت را برعهده گرفت، قیمت بنزین سهمیه‌ای ۴۰۰ تومان و بنزین آزاد ۷۰۰ تومان بود. دولت یازدهم یک سال بعد قیمت‌ها را تک‌نرخ کرد و کارت سوخت را حذف کرد. این قیمت تا آبان ۱۳۹۸ بدون تغییر باقی ماند؛ اما در آن مقطع، با بازگشت سهمیه‌بندی، قیمت بنزین سهمیه‌ای به ۱۵۰۰ تومان و بنزین آزاد به ۳۰۰۰ تومان افزایش یافت. پس از آن نیز در دولت شهید آیت‌الله‌فیدابراهیم رئیسی، قیمت بنزین تغییری نکرد. تداوم چندساله قیمت‌های ثابت، همزمان با رشد مصرف، افزایش تعداد خودروها، فرسودگی ناوگان حمل و نقل، قاچاق سوخت و کاهش سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌ها در دهه ۹۰ موجب شد ناترازی بنزین به یکی از چالش‌های جدی اقتصاد ایران تبدیل شود؛ به گونه‌ای که کشور از صادرکننده بنزین به واردکننده این فرآورده تبدیل شد.

با آغاز به کار دولت چهاردهم، موضوع اصلاح قیمت حامل‌های انرژی دوباره در دستور کار قرار گرفت. دولت پزشکian از همان ابتدا ناترازی انرژی را یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ایران معرفی کرد و راهکارهای خود را بر اصلاح قیمت‌ها متمرکز ساخت. منتقدان اما معتقدند تکیه بر افزایش قیمت‌ها بدون اصلاح ساختار مصرف،



آیا علت ناترازی بنزین، قیمت پایین است؟

کارشناسان و اقتصاددانان معتقدند ریشه اصلی ناترازی بنزین تنها در قیمت پایین سوخت خلاصه نمی‌شود؛ بلکه کیفیت پایین خودروهای داخلی، مصرف بالای ناوگان، ضعف حمل و نقل عمومی و... سهم مهم‌تری در شکل‌گیری این بحران دارند. یکی از مهم‌ترین متهمان این ناترازی، صنعت خودروسازی کشور است. خودروهای داخلی به دلیل استفاده از موتورهای قدیمی، وزن بالا و عقب‌ماندگی فناوری، به طور متوسط حدود ۲ برابر بیشتر از استانداردهای جهانی سوخت مصرف می‌کنند.

انرژی مجلس شورای اسلامی، که خودروسازی را عامل اصلی ناترازی بنزین می‌داند، در گفت‌وگو با نوبنیاد درباره افزایش قیمت بنزین اظهار کرد: مجلس به دولت اختیار داده است که به صورت فصلی نسبت به افزایش قیمت بنزین متناسب با تورم و قیمت تمام‌شده تولید اقدام کند؛ این در حالی است که در فصل زمستان ۱۴۰۴ و بهار امسال چنین اقدامی صورت نگرفت. وی افزود: اگرچه سیاست‌های قیمتی در گذشته توانست کاهش مصرف اندکی (در حد چند میلیون لیتر) ایجاد کند، اما در عمل تأثیر چندانی بر کاهش مصرف نداشته است. با این حال، ممکن است افزایش قیمت نرخ سوم بنزین به ۱۰ هزار تومان، سبب کاهش ۶ میلیون لیتری مصرف شود. سپهوند با بیان اینکه افزایش قیمت بنزین در جلسه این هفته کمیسیون انرژی مجلس بررسی خواهد شد، گفت: به هیچ وجه شرایط کنونی برای افزایش قیمت مهیا نیست. در شرایطی که در جنگ قرار داریم، دولت باید مراعات مردم را داشته باشد. فشار معیشتی بر مردم زیاد است و نباید فشار بیشتری به جامعه و خانوارها وارد کنیم. دبیر کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به اینکه میانگین مصرف بنزین در کشور حدود ۱۳۵ میلیون لیتر است، تأکید کرد: مجلس به دولت اجازه افزایش قیمت را داده است، اما این بدان معنا نیست که دولت در هر شرایطی این کار را انجام دهد. این تصمیم باید در شرایطی با ثبات و متعادل انجام شود تا فشار مضاعفی به مردم تحمیل نکند.

بنزین ۵ هزار تومانی مصرف را کم کرد؟

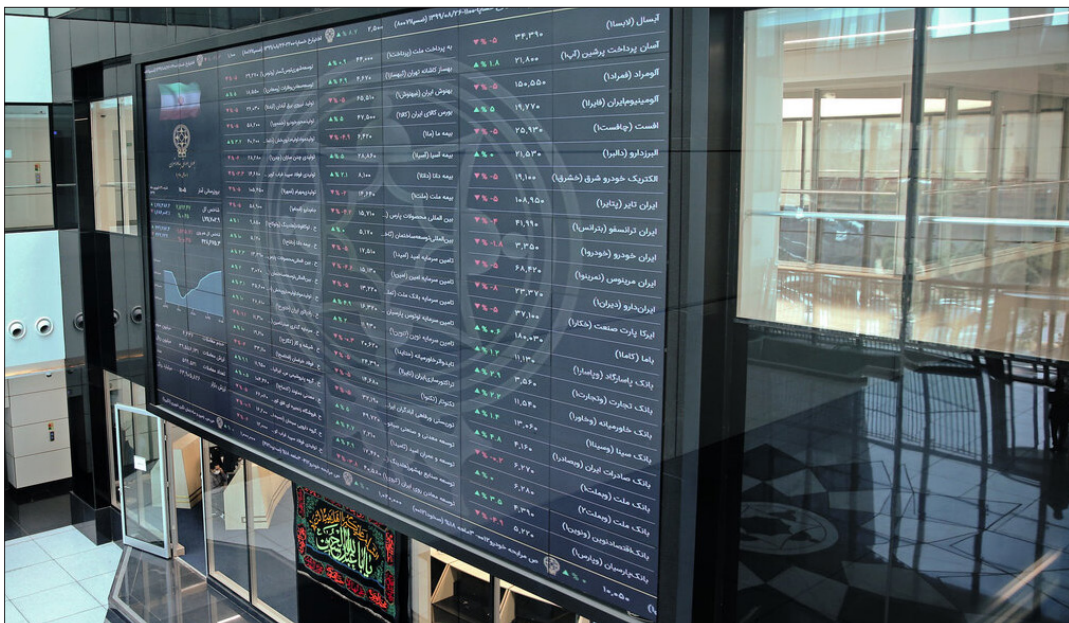
اگرچه طی سال‌های اخیر، پایین بودن قیمت بنزین به عنوان یکی از عوامل رشد مصرف سوخت مطرح شده، اما بررسی ریشه‌های ناترازی بنزین نشان می‌دهد این بحران تنها محصول سیاست‌های قیمتی نیست. بخش مهمی از این ناترازی به ساختار صنعت خودروسازی، فرسودگی ناوگان حمل و نقل، ضعف حمل و نقل عمومی، قاچاق و نبود سرمایه‌گذاری در توسعه پالایشگاه‌ها بازمی‌گردد. تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد افزایش قیمت بنزین، به ویژه زمانی که با اصلاحات ساختاری همراه نباشد، اثر پایداری بر کنترل مصرف ندارد. اجرای نرخ سوم ۵ هزار تومانی نیز همین واقعیت را آشکار کرد؛ زیرا نه استفاده از کارت جایگاه کاهش یافت و نه روند مصرف بنزین تغییر محسوسی پیدا کرد. در مقابل، هرگونه افزایش قیمت حامل‌های انرژی معمولاً به سرعت از طریق افزایش هزینه حمل و نقل، تولید و خدمات به سایر بازارها منتقل شده و به تشدید تورم، آن هم در این شرایط، دامن می‌زند. در شرایطی که اقتصاد ایران همچنان با تورم بالا، کاهش قدرت خرید خانوارها و رکود تولید دست‌وپنجه نرم می‌کند، هرگونه تصمیم درباره اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، نیازمند اجماع سیاسی، اقع افکار عمومی و ارائه بسته‌ای جامع از اصلاحات اقتصادی است؛ در غیر این صورت، تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد افزایش قیمت به تنهایی نه ناترازی را برطرف می‌کند و نه صرفاً را به شکل پایدار کاهش خواهد داد.

کاهش ۱۱۶ هزار واحدی شاخص بورس در نخستین روز هفته؛

اصلاح بازار سهام همچنان ادامه دارد

بازار سهام روز شنبه در ادامه موج اصلاحی خود، با تداوم فشار فروش حقیقی‌ها، یکی از ضعیف‌ترین روزهای اخیر را پشت سر گذاشت. خروج ۴۱۰ میلیارد تومان پول حقیقی از بخش سهام و صندوق‌های سهامی، همراه با انتقال

نقدینگی به صندوق‌های طلا و درآمد ثابت، نشان داد که سرمایه‌گذاران همچنان در فضای پریریسک، رویکردی محافظه‌کارانه و مبتنی بر کاهش مواجهه با سهام دارند و این روند همچنان ادامه دارد.



نیمایسهایی

روزنامه نگار

بازار سهام دیروز (شنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۵) برای هفتمین روز متوالی به روند نزولی خود ادامه داد و معاملات با غلبه عرضه بر تقاضا و افت گسترده قیمت سهام به پایان رسید. بیش از ۵۰۰ نماد معاملاتی با فروشی به ارزش ۱۶ هزار میلیارد تومان مواجه شدند. بر اساس داده‌های سازمان بورس، در نخستین روز هفته، ارزش کل معاملات خرد سهام، صندوق‌های سهامی و پایانی (TAL) به ۱۵ هزار و ۳۵ میلیارد تومان رسید که نسبت به روز چهارشنبه مجموع ارزش معاملات بورس تهران و فرابورس به محدوده ۲۶۸ هزار میلیارد تومان رسید. ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس نیز در محدوده ۱۶ هزار و ۳۱۹ میلیارد تومان قرار گرفت.

شاخص کل بورس تهران، به عنوان نماگر بازار سهام، در ۱۶ تیرماه به قله ۵.۳ میلیون واحد رسیده بود و از آن روز تاکنون در مسیر نزولی قرار گرفته و تاکنون ۵۳۴ هزار واحد، معادل ۱۰ درصد، افت کرده است. شاخص هم‌وزن نیز که تصویر دقیق‌تری از بازار را نشان می‌دهد، با افت ۸۷ هزار واحدی به بیش از ۶ درصد ریزش کرد و از حوالی ۱.۴ میلیون واحد به مرز ۱.۳ میلیون واحد عقب‌نشینی کرد. با این حال، بررسی عملکرد شاخص صنایع فعال بورس از زمان بازگشایی بازار سهام در ۱۲۹ دی‌ماه ۱۴۰۵ تا پایان معاملات ۲۷ تیرماه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که با وجود افت شاخص صنایع در معاملات دیروز، برآیند عملکرد صنایع همچنان مثبت باقی‌مانده است. در این بازه ۳۸ روز معاملاتی، شاخص ۳۸ صنعت بازده مثبت به ثبت رسانده و فقط ۲ صنعت با کاهش همراه بوده‌اند. همچنین میانگین بازده ۴۰ صنعت فعال بورس در این مدت به ۳۴.۶ درصد رسیده است.

خروج ۲۰ هزار میلیارد تومان در یک هفته

طی هفته گذشته ۱۹ هزار و ۵۳۹ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد. در این مدت، ۵۸۸۳ میلیارد تومان

به صندوق‌های طلا و ۱۴ هزار و ۸۴۹ میلیارد تومان به صندوق‌های درآمد ثابت وارد شده است. با این حال، خروج پول حقیقی همچنان ادامه دارد؛ به طوری که حقیقی‌ها دیروز ۴۰۱ هزار میلیارد تومان از بخش سهام و صندوق‌های سهامی خارج کردند و در مقابل، بیش از ۲۰۳ هزار میلیارد تومان به صندوق‌های طلا، ۱۰۵ هزار میلیارد تومان به صندوق‌های سرمایه‌گذاری درآمد ثابت و ۳۲۳ میلیارد تومان به صندوق‌های نقره‌سینرژي وارد شد. گروه‌های فلزی، فرآورده‌های نفتی، بانکی، شیمیایی، دارویی و چندرشته‌ای صنعتی بیشترین فروش‌های حقیقی به حقوقی را داشتند. همچنین پس از پایان دادوستدها، تنها ۵۹ صف خرید در برابر ۳۹۰ صف فروش، به عنوان سرخطی‌های امروز، در ماشین معاملات باقی ماند.

افت ۲,۴ درصد شاخص در روز شنبه

شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات دیروز با کاهش ۱۱۶ هزار و ۵۵۶ واحدی (۲.۳۸ درصد) به ۴ میلیون و ۷۷۷ هزار و ۲۷۹ واحد رسید و پس از از دست دادن کانال ۴۰۹ و ۴۰۸ میلیون واحدی، وارد کانال ۴۰۷ میلیون واحد شد. شاخص کل هم‌وزن نیز با افت ۲۳ هزار و ۹۴۰ واحدی، معادل ۱.۸ درصد، در ارتفاع یک میلیون و ۳۰۲ هزار و ۲۵۰ واحد ایستاد. افت شاخص هم‌وزن، اگرچه کمتر از شاخص کل بود، اما همچنان بیانگر فشار فروش فراگیر در اکثر نمادهای بازار است. شاخص کل فرابورس ایران با کاهش ۷۷۵ واحدی (۲.۰۲ درصد) به محدوده ۳۷ هزار و ۴۹۷ واحد رسید. کارشناسان می‌گویند: اصلاح‌های سنگین پس از رشد‌های پرشتاب، بخشی از رفتار طبیعی بازارهای مالی است. در صورتی که ارزش معاملات در روزهای آینده تقویت شود و فشار فروش در نمادهای شاخص‌ساز کاهش یابد، بازار می‌تواند به تدریج به تعادل برسد و زمینه برای بازگشت دوباره شاخص کل به مسیر صعودی فراهم شود.

حمایت ۱۲.۵ همتی از بازار سهام

در شرایط جنگی، ریسک سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و در همه کشورها معمولاً از بازار سرمایه و به‌ویژه سرمایه‌گذاران خرد و حقیقی حمایت می‌شود. در کشور ما هم این قاعده برقرار است و با

توجه به اینکه در شرایط جنگی، ریسک سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه افزایش پیدا کرده است، تصمیم‌گیران بازار سرمایه از طریق ابزارهایی مانند صندوق توسعه بازار و صندوق تثبیت بازار از سهامداران خرد و حقیقی حمایت می‌کنند. در این زمینه، قادر معصومی خانقاه، مدیر نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار، با اشاره به رقم حمایت انجام‌شده صندوق توسعه بازار سرمایه از بازار سهام در هفته گذشته گفت: این صندوق با هدف حمایت از سهامداران، از ۱۷۴ نماد به میزان ۷۶۴۰ هزار میلیارد تومان حمایت کرد. به گفته او، صندوق توسعه بازار همچنین تا هفته گذشته بیش از ۴ هزار میلیارد تومان از تعهدات خود را که عمدتاً اوراق تبعی از نوع تأمین مالی بوده، تسویه کرده است.

مدیر نظارت بر بورس‌های سازمان بورس درباره حمایت صندوق تثبیت بازار سرمایه نیز گفت: این صندوق در هفته گذشته با هدف حمایت از سهامداران، از ۱۳۱ نماد به میزان ۴۸۹۴ هزار میلیارد تومان حمایت کرد. به بیان دیگر، میزان خرید خرد این صندوق در این بازه زمانی حدود ۵ هزار میلیارد تومان بوده است. معصومی خانقاه تأکید کرد: صندوق تثبیت بازار سرمایه نیز در هفته گذشته برای تسویه تعهدات ناشی از اقدامات حمایتی بعد از جنگ ۱۲ روزه، شامل همیار، تأمین مالی از طریق انتشار اوراق تبعی و... بیش از ۱۰ همت از منابع خود را صرف کرده است. به‌رغم اینکه صندوق‌های حمایتی بازار سرمایه منابع خوبی را برای حمایت از بازار در اختیار دارند، ولی انتشار اوراق تبعی از نوع تأمین مالی در دستور کار این صندوق‌ها قرار داشته و بلافاصله پس از طی مراحل اداری و مقرراتی، اطلاع‌رسانی و اجرایی خواهد شد.

بازار سهام تحت تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیک و خروج سنگین نقدینگی حقیقی، اصلاحی ۱۰ درصدی را از قله تیرماه تجربه می‌کند. اگرچه حمایت ۱۲.۵ هزار میلیارد تومانی صندوق‌های تثبیت و توسعه بازار در کنار تداوم بازدهی مثبت میان مدت صنایع، مانع از ریزش بیشتر شده است، اما با غلبه سنگین فروشندگان روند نزولی همچنان ادامه دارد.

نبض اقتصاد

تنگه هرمز؛ بازی باخته آمریکا در میدان نفت

رویت‌ر روز گذشته در گزارشی نوشت: در حالی که بازارها نسبت به تنش‌های آمریکا و ایران آرام به نظر می‌رسند، کاهش ذخایر نفتی، جهان را در برابر شوک انرژی جدید آسیب‌پذیرتر کرده است. ایران و آمریکا هر دو بار دیگر محاصره‌های متقابل را برای تنگه هرمز اعلام کرده‌اند که توافق آتش‌بس از پیش‌شکننده را عملاً فلج کرده است. این موضوع باید زنگ خطری برای معامله‌گران نفتی باشد که روی بازگشت سریع به شرایط عادی حساب باز کرده بودند. اما بازارها «خوش‌بین» به نظری می‌رسند؛ و این ممکن است یک خطای محاسباتی بزرگ باشد. بازار جهانی نفت و گاز در طول درگیری ۱۰۸ روزه، تا حد زیادی به لطف ذخایر عظیم جهانی که پیش از آغاز جنگ وجود داشت، تاب‌آوری قابل توجهی از خود نشان داد، اما بازار انرژی دیگر با ذخایر اضطراری فراوان محافظت نمی‌شود؛ بنابراین حاشیه خطا بسیار کوچک‌تر شده است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرد که آمریکا «نگهبان تنگه هرمز» خواهد شد و اطمینان حاصل خواهد کرد که این گلوگاه حیاتی کشتیرانی که پیش‌تر یک پنجم عرضه نفت و گاز طبیعی مایع جهان از آن عبور می‌کرد، برای سایر کشتی‌ها باز بماند. ترامپ افزود که در عوض، آمریکا هزینه‌ای به نرخ ۲۰ درصد دریافت خواهد کرد. واکنش بازار نفت به تمام این اتفاقات به‌طور شگفت‌آوری آرام بوده است. شاخص جهانی نفت خام برنت از سه‌شنبه هفته گذشته که دور جدید حملات متقابل آغاز شد، بیش از ۱۰ درصد افزایش یافته و به بالای ۸۰ دلار در هر بشکه رسیده است. اگرچه این افزایش قابل توجه است، اما قیمت‌ها همچنان بسیار پایین‌تر از اوج قیمتی ۱۱۸ دلاری در اواخر ماه مارس باقی‌مانده‌اند. به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران احتمال بازگشت به جنگ تمام‌عیار و توقف کامل جریان نفت و گاز از هرمز را نادیده می‌گیرند؛ این فرضیه منطقی است، اما همچنان ریسک بالایی دارد.

ترامپ احتمالاً از افزایش قیمت بنزین داخلی در اوج فصل سفرهای تابستانی، به‌ویژه در ماه‌های منتهی به انتخابات میان‌دوره‌ای حساس نوامبر، استقبال نخواهد کرد. ترامپ ممکن است به دلیل تاب‌آوری قابل توجه بازار انرژی در طول جنگ و بازگشت سریع قیمت‌ها به سطح پیش از جنگ پس از اعلام تفاهم‌نامه ژوئن، دچار خوش‌خیالی شده باشد. اما طولانی‌کردن این بن‌بست، ریسک بسیار بالاتری نسبت به چند ماه پیش دارد.

دلیل این امر آن است که «بالش ایمی» نفتی جهان به‌شدت ته‌کشیده است. در طول درگیری ۴.۵ ماهه، دولت‌ها، پالایشگاه‌ها و معامله‌گران حجم بی‌سابقه‌ای از نفت خام و سوخت را از ذخایر اضطراری برای جبران فقدان حدود ۱۳ میلیون بشکه در روز صادرات خلیج فارس آزاد کردند. آن آزادسازی‌ها به جلوگیری از شوک قیمتی که بسیاری از تحلیلگران در آغاز جنگ از آن می‌ترسیدند کمک کرد، اما به بهای گزافی تمام شد. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، موجودی نفت جهانی بین ماه‌های مارس تا مه، در مجموع ۳۶۰ میلیون بشکه کاهش یافت که معادل حدود ۳.۹ میلیون بشکه در روز است. موجودی‌های خشکی در ژوئن نیز به کاهش خود ادامه دادند و ۹۶ میلیون بشکه دیگر، یا حدود ۳.۲ میلیون بشکه در روز، افت کردند.

این کاهش به‌ویژه در آمریکا چشمگیر بوده است. ذخایر نفت آمریکا پس از صادرات رکوردشکن نفت خام و فرآورده‌های پالایش‌شده در طول جنگ، به پایین‌ترین سطحی رسیده که در دهه‌های اخیر دیده نشده است. این آسیب‌پذیری از نگاه واشنگتن دور نمانده است. اوایل این ماه، «جی‌دی وینس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا استدلال کرد که توافق آمریکا و ایران به جهان زمان کافی برای بازسازی ذخایر نفتی تخلیه‌شده، پیش از هرگونه خصومت احتمالی جدید، می‌دهد. با این حال، بر اساس سطح فعلی موجودی‌ها، جهان به زمان بسیار بیشتری نیاز دارد. برخلاف ماه فوریه که موجودی نفت کشورهای پُرو ذخایر اضطراری فراوان بود، بازار جهانی نفت ظرفیت بسیار کمتری برای جذب یک شوک بزرگ دیگر دارد. شاید این مهم‌ترین درسی باشد که سرمایه‌گذاران امروز از آن غافل مانده‌اند.

اریز ۵.۳
هزار میلیارد
تومان سود به
حساب ۱۷۰ هزار
سهام‌دار

سپرده‌گذاری
مرکزی اوراق بهادار
و تسویه وجوه
اعلام کرد: در
هفته چهارم تیر
۱۸ ناشر ۵ هزار
و ۳۹۵ میلیارد
و ۹۱۱ میلیون
تومان سود نقدی،
سنواتی و حق
تقدم را به حساب
۱۷۰ هزار و ۴۷۸
سهام‌دار از طریق
اطلاعات سامانه
(سجام) واریز
کردند.

بین الملل

اعتراف سنتکام به هلاکت ۲ نظامی تروریست آمریکا

سنتکام به هلاکت دو نظامی تروریست آمریکا در اردن در حمله تلافی جویانه ایران اعتراف کرد. سازمان تروریستی سنتکام در بیانیه‌ای رسمی، جزئیات تلفات نظامیان تروریست آمریکا در اردن را در پی حملات پهلادی و موشکی تلافی جویانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد.

بنا به اعتراف سنتکام، در این حملات، دو نظامی آمریکایی به هلاکت رسیده و یک نظامی دیگر همچنان مفقود است.

سنتکام افزود که چهار نظامی مجروح به بیمارستان‌های اردن منتقل و پس از درمان مرخص شدند؛ سایر افرادی که دچار جراحات سطحی بودند نیز به پست‌های خود بازگشتند.

این نهاد نظامی تروریستی آمریکا ادامه داد که هویت نظامیان کشته شده تا ۲۴ ساعت پس از اطلاع‌رسانی به خانواده‌هایشان، طبق پروتکل‌های نظامی محرمانه باقی خواهد ماند.

این در حالی است که دولت تروریست آمریکا هرگز آمار واقعی از تلفات خود ارائه می‌کند و شدت حملات تلافی جویانه ایران به مواضع تروریست‌های آمریکایی نشان می‌دهد که آمار تلفات بسیار بیشتر از آمار رسمی اعلام شده است.



بازخوانی یک طرح شکست خورده درواشنگتن

خلیج فارس، باتلاق نیروهای آمریکایی

توهم اشغال خاک ایران، نسخه‌ای است که از برژینسکی در دوران کارتر تا تئدری‌های امروز کاخ سفید بارها روی میز رؤسای جمهوری آمریکا قرار گرفته، اما هر بار واقعیت‌های میدانی و جغرافیای ایران آن را به بایگانی شکست فرستاده است. اکنون نیز یک اندیشکده آمریکایی با مرور همان تجربه‌ها اذعان می‌کند که هرگونه ماجراجویی زمینی علیه ایران، نه یک پیروزی، بلکه آغاز چرخه‌ای از تلفات، فرسایش و شکست برای ارتش آمریکا خواهد بود.

سنگین انسانی و مالی است. هزینه‌هایی که با توجه به شرایط جغرافیایی ایران و توان بازدارندگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، می‌تواند به سرعت از کنترل خارج شود.

این همان تله‌ای است که بسیاری درباره آن هشدار می‌دهند. چرخه‌ای که در آن هر عملیات امدادی، نیازمند عملیات بزرگ‌تر بعدی خواهد بود و هر مرحله، نیرو و تجهیزات بیشتری را درگیر می‌کند، بدون آنکه دستاورد راهبردی قابل توجهی برای واشنگتن به همراه داشته باشد. در چنین شرایطی، آمریکا ناگزیر خواهد بود هزینه‌های فزاینده‌ای را برای حفظ موضعی پیردار که از ابتدای ارزش راهبردی پایداری برای آن ایجاد نکرده‌اند. Responsible Statecraft در ادامه گزارش خود به نقل از کارشناسان آمریکایی تأکید می‌کند که تصور تبدیل خارک به «برگ چانه‌زنی» علیه ایران، مبتنی بر برداشت نادرستی از واقعیت‌های میدانی و شناخت ناقص از اراده جمهوری اسلامی است. به اعتقاد آنان، اشغال یک جزیره یا حتی بخشی از خاک ایران نه تنها موجب تغییر رفتار تهران نمی‌شود، بلکه احتمالاً مقاومت را تشدید کرده و هزینه‌های آمریکا را به شکل تصاعدی افزایش خواهد داد.

این گزارش در نهایت، با مقایسه رویکرد کارتر و برخی سیاستمداران امروز آمریکا، نتیجه می‌گیرد که بزرگ‌ترین اشتباه مشترک آنان، سوء برداشت از ایران و تصور امکان وادار کردن این کشور به عقب‌نشینی از طریق فشار نظامی بوده است؛ خطایی که در گذشته نتیجه‌ای جز شکست نداشت و امروز نیز بعید است سرنوشتی متفاوت پیدا کند.

اما جیمی کارتر، برخلاف فشارهای گسترده داخلی، این پیشنهاد را نپذیرفت. او به این جمع‌بندی رسیده بود که هرگونه اقدام نظامی علیه ایران نه تنها موجب عقب‌نشینی تهران نخواهد شد، بلکه انسجام داخلی ایرانیان را افزایش داده و احتمال وقوع یک جنگ گسترده را بالا می‌برد.

نکته قابل توجه آن است که همین ارزیابی امروز نیز از سوی بسیاری از کارشناسان آمریکایی تکرار می‌شود. به نوشته این اندیشکده، اگرچه ارتش آمریکا از نظر توان سخت‌افزاری شاید بتواند در یک عملیات محدود جزیره‌ای را تصرف کند، اما حفظ آن موضوعی کاملاً متفاوت خواهد بود. کارشناسان نظامی آمریکایی هشدار داده‌اند که هر نیرویی که در چنین منطقه‌ای مستقر شود، به دلیل نزدیکی به سرزمین اصلی ایران، به طور دائمی در تیررس موشک‌ها، پهپادها و سایر توانمندی‌های دفاعی جمهوری اسلامی قرار خواهد گرفت. به بیان دیگر، مسئله اصلی ورود نیست بلکه ماندن است.

اگر واشنگتن روزی بخواهد، آن‌گونه که برخی محافل جنگ طلب مطرح می‌کنند، از طریق عملیات زمینی وارد نبرد مستقیم با ایران شود، حتی در خوش‌بینانه‌ترین برآوردها نیز فرض تصرف موقت یک منطقه، به معنای موفقیت نخواهد بود. نگه داشتن آن منطقه مستلزم استقرار گسترده نیرو، ایجاد خطوط پشتیبانی، انتقال تجهیزات و تحمل هزینه‌های



They Pressured Carter To Invade Kharg Island Too. He Didn't.

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

اندیشکده آمریکایی Responsible Statecraft در گزارشی تحلیلی با مرور اسناد دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر، پرده از واقعیتی برمی‌دارد که امروز نیز برای سیاستمداران آمریکایی درس آموز است. اینکه ایده اشغال جزیره راهبردی خارک، برخلاف تصور طراحان آن، نه تنها گریزی از مشکلات آمریکا باز نمی‌کند، بلکه می‌تواند واشنگتن را وارد جنگی کند که پایان آن قابل پیش‌بینی نیست.

این گزارش یادآوری می‌کند که پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۳۵۸، «زبگنیو برژینسکی» مشاور امنیت ملی کارتر، بارها پیشنهاد اشغال جزیره خارک و برخی جزایر دیگر را برای تحت فشار قرار دادن ایران مطرح کرد. هدف اصلی این طرح، قطع صادرات نفت ایران و وادار کردن تهران به آزادی گروگان‌ها و حتی فراهم کردن زمینه تغییر نظام سیاسی ایران بود.



هزینه بی‌فایده

گزارش یک اندیشکده آمریکایی با مرور اسناد دولت کارتر نشان می‌دهد حتی در صورت اشغال موقت بخشی از خاک ایران، هزینه حفظ آن و گرفتار شدن نیروهای آمریکایی می‌تواند چرخه‌ای فرسایشی و بی‌دست‌آورد کند.

یادداشت

زمان علیه ناوگان آمریکایی

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

گزارش اخیر اندیشکده آمریکایی، برخلاف هیاهوی رسانه‌های غربی، اعتراف می‌کند که آنچه امروز مقابل ایران صف‌آرایی کرده، نه نمایش اقتدار، بلکه آخرین توان قابل تجمیع نیروی دریایی آمریکا است و واشنگتن دیگر توان تحمل یک عملیات دریایی طولانی مدت را ندارد.

اعزام دو ناو هواپیمابر، شش شناور آبی-خاکی و ده‌ها ناوشکن و رزم‌ناو شاید در نگاه نخست نشانه آمادگی برای یک محاصره دریایی طولانی باشد، اما واقعیت دقیقاً برعکس است. این ناوگان، سقف توان عملیاتی آمریکا است. سقفی که اگر برای چند ماه حفظ شود، عملاً سایر مأموریت‌های جهانی نیروی دریایی آمریکا را فلج می‌کند. به بیان دیگر، واشنگتن برای نگه داشتن این آرایش در برابر ایران، ناچار شده بخش عمده ظرفیت راهبردی خود را در یک جغرافیا متمرکز کند.

دلیل این وضعیت نیز روشن است. آمریکا دیگر ناوگان عظیم دهه‌های گذشته را در اختیار ندارد. شمار شناورهای رزمی به شدت کاهش یافته، چرخه تعمیرات مختل شده و کشتی‌هایی که باید ماه‌ها پیش به پایگاه بازمی‌گشتند، همچنان در دریا ننگه داشته شده‌اند. گزارش تصریح می‌کند برخی شناورها بیش از ده ماه بدون استراحت عملیاتی در منطقه حضور دارند. وضعیتی که نه از قدرت، بلکه از کمبود جایگزین حکایت دارد. اگر آمریکا تصمیمی برای تشدید فشار یا اقدام نظامی داشته باشد، ناچار است آن را در کوتاه‌ترین زمان ممکن اجرا کند. ناوگانی که هر روز بیش از روز قبل فرسوده می‌شود، توان تحمل یک محاصره فرسایشی یا انتظار طولانی را ندارد. زمان، برخلاف تصور واشنگتن، به سود ایران حرکت می‌کند. هر هفته تأخیر، استهلاک شناورها را افزایش می‌دهد، بحران تعمیر و نگهداری را تشدید می‌کند و فشار بر خدمه‌ای را که سال‌هاست با مأموریت‌های فراتر از استاندارد مواجه‌اند، سنگین‌تر می‌سازد. به همین دلیل، تهدیدهای مکرر درباره محاصره دریایی را نباید نشانه اعتماد به نفس آمریکا دانست، بلکه باید آن را ناشی از محدودیت زمانی این کشور ارزیابی کرد. واشنگتن می‌داند که نمی‌تواند ماه‌ها این آرایش را حفظ کند و همزمان آمادگی لازم را برای سایر بحران‌های جهانی داشته باشد. از این رو، اگر قرار باشد اقدامی صورت گیرد، منطبق نظامی آمریکان را به سمت عملیاتی سریع، محدود و کوتاه مدت سوق می‌دهد، نه یک رویارویی فرسایشی.

از سوی دیگر، خود گزارش آمریکایی به نکته مهم‌تری نیز اذعان دارد. ناوگان کنونی آمریکا توان ورود به یک نبرد پرهزینه را ندارد. تعداد شناورها آن قدر کاهش یافته که از دست رفتن حتی چند فروند، معادلات قدرت دریایی واشنگتن را برای سال‌ها برهم می‌زند. به همین علت، فرماندهان آمریکایی بیش از آنکه نگران آغاز درگیری باشند، نگران هزینه‌های ادامه آن هستند.

ساعت شنی عملیات دریایی آمریکا علیه ایران، برخلاف تبلیغات رسانه‌ای، به سود جمهوری اسلامی ایران در حال چرخش است. واقعیتی که تصمیم‌سازان آمریکایی را وادار می‌کند اگر قصد اقدامی دارند، آن را در پنجره‌ای کوتاه انجام دهند.

یادداشت

تلقی غلط «زد و خورد»
از جنگ تمام عیارامیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

در دور جدید جنگ تحمیلی که از ۱۷ تیر آغاز شده، حملات دشمن به شدت افزایش یافته و مستقیماً زیرساخت‌های حیاتی کشور را هدف قرار داده است. با وجود این واقعیت آشکار، آنچه بیش از خود تجاوزات خطرناک است، عدم وجود تلقی واقعی جنگ در میان مسئولان، دستگاه‌های نظام و به‌ویژه ارکان رسانه‌ای و تبلیغاتی کشور است.

دیگر خبری از مارش‌های نظامی در رسانه نیست و تلاشی برای نشان دادن وضعیت دفاع سراسری و مقدس وجود ندارد. حملات سنگین آمریکا به جنوب، جنوب غرب، جنوب شرق و حتی نقاط مرکزی کشور، انگار برای برخی مسئولان یک «زد و خورد» محدود و معمولی است، نه یک جنگ واقعی با هدف فلج کردن زیرساخت‌ها. این رویکرد، کشور را در یک فضای ذهنی خاکستری قرار داده که نه جنگ است و نه صلح، و دقیقاً همین ابهام، هوشیاری لازم را از مسئولان و مردم سلب می‌کند و زمینه‌ساز خسارات عظیم خواهد شد.

در حالی که آمریکا صراحتاً آتش بس و تفاهم‌نامه را پایان یافته اعلام کرده و حملات خود را گسترش داده، بنیان اصلی این تفاهم یعنی پزشک‌های و قالیباف همچنان در سکوت مطلق به سر می‌برند. حتی وزارت امور خارجه نیز از اعلام رسمی و قاطع پایان تفاهم‌نامه پرهیز دارد.

رهبری انقلاب در پیام تاریخی خویش فرمودند: «ملت پرشور و باوفای ایران همانگونه که مطلع شدید، تفاهم‌نامه‌ای بین رئیس‌جمهور ایران و آمریکا امضا شد... بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم ولی از باب تعهدی که رئیس‌جمهور محترم... به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه‌ی آن را صادر نمودم.» ایشان هشدار دادند که اگر طرف آمریکایی زیاده‌خواهی کند، زیربار نخواهند رفت و ایشان و ملت ایران منتظر اجرای شروط هستند، شروطی که هیچکدام تحقق نیافت.

اما اکنون که تفاهم‌نامه به طور کامل نقض شده و آتش بس پایان یافته، هیچ موضع محکم انقلابی از سوی پزشک‌های (که مسئولیت تبعات آن را پذیرفته بود) و قالیباف (که ثمرات این مسیر را «بسیار بیشتر از جنگ» می‌دانست) مشاهده نمی‌شود. بیش از چهار ماه از آغاز جنگ و ترور شهید رهبری گذشته و سکوت مسئولان در برابر حمله‌های سنگین روانی و رسانه‌ای دشمن، همچنان ادامه دارد. این سکوت، در شرایطی که دشمن آشکارا جنگ زیرساختی را آغاز کرده، کشور را در همان فضای خاکستری خطرناک نگه می‌دارد.

تلقی غلط از جنگ و قرار گرفتن در فضای ذهنی خاکستری، هوشیاری ملی را کاهش داده و خطر خسارت‌های جبران‌ناپذیر را افزایش می‌دهد. انتظار ملت آن است که مسئولان، به‌ویژه حامیان اصلی این تفاهم، سکوت را بشکنند، واقعیت جنگ را بپذیرند و با موضع‌گیری شفاف، از حقوق ملت دفاع کنند. ادامه این ابهام، تنها به نفع دشمن تمام خواهد شد.

اگر حمایت اعراب از تجاوز آمریکا ادامه یابد، باید زیرساخت‌های حیاتی آنها به ویرانه تبدیل شود

خشم ایران در انتظار شیوخ خائن

را ادامه داد، اما حملات روزهای اخیر به تأسیسات آمریکایی نشان داد صبر استراتژیک به پایان رسیده است. این تحول، کشورهای عربی را در موقعیتی قرار می‌دهد که باید هزینه‌های حمایت از واشنگتن را بازنگری کنند.

حملات اخیر آمریکا به ایران از طریق حریم هوایی و پایگاه‌های مستقر در خاک کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، دور جدیدی از تنش را ایجاد کرده است. ایران با وجود خیانت عملی این کشورها، رویکرد برادرانه و خویشتن‌داری



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

آسیب به نیروگاه‌های کلیدی نه تنها زندگی روزمره را مختل می‌کند، بلکه زنجیره تأمین، بانکداری، حمل و نقل هوایی و دیتاسنترها را نیز فلج خواهد کرد. پل‌ها و بنادر حیاتی مانند مسیرهای ارتباطی عربستان-بحرین یا بنادر تجاری عمده، گلوگاه‌های اقتصادی هستند که اختلال در آنها، زنجیره تأمین مواد غذایی وارداتی (بیش از ۸۰ درصد) را قطع می‌کند.

اعراب به پیامد
تصمیمات خود
بیاندیشند

همسایگان جنوبی
با فراهم کردن
خاک، حریم هوایی
و پایگاه برای
حملات آمریکا
به ایران، عملاً
در جنایت جنگی
شریک شدند.
اکنون که صبر
استراتژیک ایران
به پایان رسیده
و حملات به
تأسیسات آمریکایی
در منطقه شدت
گرفته، پرسش
جدی این است:
آیا اعراب حاضرند
هزینه فلج شدن
زیرساخت‌های
حیاتی خود چون
آب، برق و بنادر را
بپردازند؟ پاشنه
آشیل شیشه‌ای این
رژیم‌های کوچک،
تهدیدی واقعی و
نزدیک است.

اتاق شیشه‌ای اعراب

از منظر اقتصادی، بزرگ‌ترین سرمایه این کشورها «تصویرثبات و امنیت» برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، گردشگری و تجارت است. برخلاف اقتصاد ایران که سال‌ها با تحریم و فشار سازگار شده، اقتصاد این دولت‌ها به شدت حساس به شوک‌های امنیتی است. حتی احتمال وقوع درگیری زیرساختی می‌تواند منجر به خروج سرمایه‌ها، سقوط ارزش دارایی‌ها و لغو قراردادهای بلندمدت شود. برآوردهای اولیه حاکی از آن است که چنین سناریویی می‌تواند هزینه‌های جبرانی را به هزاران میلیارد دلار برساند.

در سطح کلان ژئوپلیتیک، تصور این کشورها مبنی بر امکان رقابت راهبردی یا همراهی مؤثر در فشار بر ایران (کشوری با جمعیت نزدیک به ۹۰ میلیون، ظرفیت موشکی پیشرفته و عمق دفاعی و وسعت سرزمینی عظیم) ارزیابی واقع‌بینانه‌ای به نظر نمی‌رسد. حمایت از آمریکا در حالی که بدون امکانات این کشورها عملاً دشوارتر بود، ریسک بالایی برای امنیت ملی آن‌ها ایجاد کرده است. ادامه این سیاست می‌تواند ایران را به سمت گزینه‌های بازدارنده قوی‌تر سوق دهد.

در نهایت، جنگ زیرساخت‌ها برای طرف‌هایی که زیرساخت‌های متمرکز و وابسته دارند، بسیار پرهزینه‌تر است. ایران با وجود فشارها، از ابزارهای بازدارنده متعدد برخوردار است. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس اکنون در نقطه‌ای قرار دارند که باید بین ادامه حمایت از سیاست‌های تهاجمی و حفظ ثبات داخلی و اقتصادی خود انتخاب کنند. هر تصمیمی در این مرحله، پیامدهای بلندمدت خواهد داشت.

حمله آن‌هایی که به شدت توسط تجهیزات نظامی آمریکایی محافظت می‌شوند، را هدف قرار دهند، اما با این حال... تا حد زیادی از انجام اقدامات فلج‌کننده‌ای که قادر به انجام آن‌ها هستند، خودداری کرده‌اند. این وضعیت می‌تواند در یک ثانیه تغییر کند.»

اهداف مشروع ایران در منطقه

این حملات به طور خلاصه شامل ضربه به پایگاه‌های کلیدی مانند العدید در قطر، تأسیسات در کویت، بحرین، اردن و مراکز عملیاتی آمریکا در سوریه و خلیج فارس بوده است. این فهرست محدود نشان می‌دهد ایران قادر به هدف‌گیری دقیق اهداف حساس آمریکایی بدون گسترش فوری دامنه درگیری به خاک کشورهای میزبان است.

در واکنش، وزارت امور خارجه کویت حملات به تأسیسات این کشور را محکوم کرده و آن را خلاف قوانین بین‌المللی دانسته و به قطعنامه ۲۸۱۷ اشاره کرده است. وزارت برق و آب کویت نیز از هدف قرار گرفتن یک نیروگاه و تأسیسات آب‌شیرین‌کن خبر داده و تدابیر اضطراری اتخاذ کرده است. با این حال، از منظر حقوقی باید یادآور شد که اجازه استفاده از قلمرو ملی برای عملیات تجاوزکارانه علیه همسایه، خود نقض قطعنامه ۳۳۱۴ شورای امنیت سازمان ملل است.

از دیدگاه استراتژیک، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس باید به آسیب‌پذیری‌های ساختاری خود توجه جدی داشته باشند. این کشورها در مقایسه با ایران (که دارای عمق جغرافیایی، تنوع منابع طبیعی و ثواب‌آوری صنعتی است) به شدت وابسته به سیستم‌های متمرکز وارداتی هستند. بیش از ۹۰ درصد آب آشامیدنی در کشورهایی مانند کویت، امارات و قطر از طریق آب‌شیرین‌کن تأمین می‌شود. هر اختلال جدی در این تأسیسات، در شرایط آب و هوایی شرجی منطقه، می‌تواند به بحران انسانی سریع منجر شود.

به همین ترتیب، شهرهای مدرن این کشورها بر پایه شبکه‌های برق متمرکز و سیستم‌های هوشمند ساخته شده‌اند.

در روزهای اخیر، حملات نظامی آمریکا علیه ایران عمدتاً با بهره‌گیری از حریم هوایی، پایگاه‌های آمریکایی مستقر در منطقه و امکانات و حتی خاک کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس انجام شده است. این الگو، نقش تسهیل‌کننده این کشورها را در عملیات ضدایرانی برجسته کرده و نشان‌دهنده عمق همکاری امنیتی-نظامی آن‌ها با ایالات متحده و اسرائیل است.

جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم این حمایت‌ها، با استناد به رفت اسلامی و ملاحظات همسایگی، از پاسخ مستقیم به خاک این کشورها خودداری ورزیده است. رهبر معظم انقلاب در یکی از پیام‌های خود طی ماه‌های اخیر، این دولت‌ها را به ارزیابی واقع‌بینانه موقعیت، پرهیز از همراهی با سیاست‌های تهاجمی آمریکا و بازگشت به روابط مبتنی بر مودت و برادری دعوت کرده‌اند. این رویکرد، ادامه منطق راهبردی ایران در مدیریت روابط با همسایگان جنوبی بوده است.

ادامه خویشتن‌داری یعنی ضعف

با این وجود، اعراب حاشیه خلیج فارس و برخی کشورهای عربی دیگر منطقه، همانند تجربه جنگ ایران و عراق، همکاری گسترده‌ای با طرف مقابل برقرار کردند. فراهم کردن پایگاه، حریم هوایی و حمایت لجستیکی، عملاً آن‌ها را به بخشی از زنجیره عملیاتی ضدایرانی تبدیل کرده است. این اقدام‌ها، تحلیلگران را به این نتیجه رسانده که ادامه خویشتن‌داری حداکثری ممکن است به عنوان ضعف تلقی شود و هزینه‌های امنیتی بلندمدت ایجاد کند. حملات ایران در روزهای اخیر به اهداف مرتبط با حضور نظامی آمریکا در منطقه، نقطه عطفی در این معادله است. برت اریکسون، کارشناس ریسک‌های ژئوپلیتیک، در تحلیل خود تأکید کرده: «ایران در طول این جنگ مقدار باورنکردنی‌ای از خویشتن‌داری نشان داده است. آن‌ها به وضوح نشان داده‌اند که می‌توانند اهدافی در کشورهای دیگر، از

تهران من حراج

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

بیست‌وپنجمین حراج تهران، روز جمعه ۲۶ تیر برگزار شد و ۶ اثر هنری با ثبت رقم بالای ۲۵ میلیارد تومان، رکود قبلی این حراج که ۲۲ میلیارد تومان ثبت شده بود را شکستند. در این دوره تابلو «افق رفیع» به قلم سهراب سپهری با قیمت ۴۲ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان به فروش رسید تا عملاً گران‌ترین اثر بیست‌وپنجمین حراج تهران نام بگیرد. این صرفاً یک خبر عادی نیست و باید با دقت به آن نظر انداخت.

کشور از آغاز سال ۱۴۰۴ تاکنون دو مقطع جنگ با آمریکا و رژیم صهیونیستی را پشت سر گذاشته و اکنون مناطق جنوبی‌اش هم تحت حملات باند اپستین قرار دارد. عده‌ای دفاع ملی میهنی از ایران و اسلام را با غرغر کردن حرف‌های سطحی و کودکانه همیشگی در نقد جنگ و دفاع از صلح ضایع می‌کنند و به ترامپ و دوستانش این پالس را می‌دهند که ما تمایلی برای ایستادگی در برابر توند داریم! در همین حال حراجی با زیر پا گذاشتن قوانین مملکت در مورد حجاب در تهران برگزار می‌شود که کارش به ظاهر درآمدزایی برای اهل هنر است ولی آن‌ها که عقلشان به چشم‌شان نیست به خوبی می‌دانند که برگزاری چنین مراسمی آنهم در بحبوحه جنگی وجودی و تمدنی صرفاً یک اتفاق -یا- آنطور که جماعت برگزارکننده شیک «ایونت» صدایش می‌زنند- ساده نیست.

حراج تهران یکی از ده‌ها نمونه رویدادی است که تلاش می‌کند، هرچه زودتر از موقعیت به وجود آمده برای پروژه نرمالیزاسیون بهره‌برده و از آب کره بگیرد. گویا ما باید در هاضمه نظم غربی هضم بشویم تا موجودیت و حقوق مان محترم شمرده شود؛ این البته خیال خامی بیش نیست، اماراهی که ایران در آن به سمت پیشروی‌ست چیزی جز این نیست.

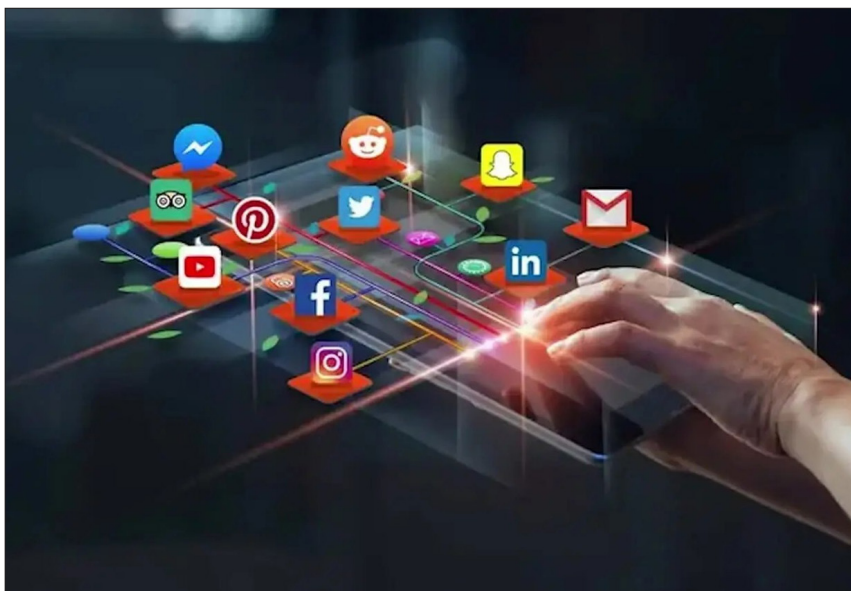
از این‌ها گذشته، حراجی تهران هم مانند حراجی‌های معروف دنیا نظیر «ساتبیز» و «کریستیز» اگرچه ویتروینی باشکوه از هنر والا و هنرپاپ به‌شمار می‌رود ولی آثار مخرب و منفی‌ای نظیر همگن‌سازی سلیقه هنری خلق‌بهره‌رشد واسطه‌ها به سبب کارمزد‌های نجومی و نادیده گرفته شدن بازارهای نوظهور و... از خود بر جای می‌گذارد که قابل بررسی است.

بررسی ره‌اشدگی فضای مجازی ایران در میانه جنگ شناختی

وقتی امنیت ملی را به پلتفرم‌های بیگانه می‌سپاریم

در معرض شدیدترین فشارهای امنیتی، سیاسی، رسانه‌ای و جنگ نرم و شناختی قرار دارد، فضای مجازی کشور همچنان به شکل حیرت‌انگیزی رها و بی‌دفاع است؛ گویی امنیت ملی فقط به مرزهای جغرافیایی محدود می‌شود و آنچه در ذهن میلیون‌ها ایرانی می‌گذرد، هیچ ارتباطی با امنیت کشور ندارد!

جنگ‌های امروز در کنار شلیک موشک و گلوله حاوی شلیک روایت نیز هست. روایت‌هایی که به سمت ذهن مردم شلیک می‌شود تا ادراک عمومی را تغییر داده، جای متجاوز و مدافع را عوض کرده و اراده یک ملت برای مقاومت را هدف قرار دهد. باین حال، در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست



سعید مصباح
روزنامه‌نگار

شبکه‌های اجتماعی امروز بخشی از زیرساخت امنیت ملی کشورها هستند. کشوری که با تهدیدهای امنیتی مستمر مواجه است، نمی‌تواند ذهن مردم خود را به پلتفرم‌هایی بسپارد که مالکیت، الگوریتم، قواعد و سیاست‌هایشان در خارج از مرزهای آن کشور تعیین می‌شود. این همان نقطه‌ای است که باید پرسید چرا ایران، با وجود همه تجربه‌های تلخ سال‌های گذشته، هنوز برای این میدان مهم، فکری اساسی نکرده است؟ میلیارد‌ها تومان بودجه خرج چنین مسائلی شده اما خروجی آن نزدیک به صفر بوده است.

در همین همسایگی ما، ترکیه نیز در سال‌های اخیر با درک اهمیت جنگ اطلاعاتی و نقش شبکه‌های اجتماعی در امنیت ملی، تلاش کرده است این حوزه را از حالت ره‌اشدگی خارج کند. تجربه کودتای نافرجام ۲۰۱۶ و پس از آن، به دولت ترکیه نشان داد که شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی می‌توانند در کوتاه‌ترین زمان به میدان سازمان‌دهی سیاسی و اجتماعی تبدیل شوند. به همین دلیل، آنکارا در سال‌های اخیر قوانین و سازوکارهای نظارتی گسترده‌تری برای فعالیت پلتفرم‌های اجتماعی ایجاد کرده و از آنها خواسته است در برابر محتوای مجرمانه، اطلاعات جعلی و عملیات سازمان‌یافته پاسخ‌گو باشند. چرا؟ چون آنها فهمیده‌اند که در جهان امروز، اگر یک کشور نتواند بر میدان اطلاعاتی خود هیچ اختیاری داشته باشد، در شرایط بحران، امنیت ملی‌اش عملاً به تصمیمات شرکت‌ها و پلتفرم‌هایی وابسته خواهد بود که خارج از مرزهای آن کشور فعالیت می‌کنند.

اما در ایران چه اتفاقی می‌افتد؟ در روزهای اخیر، هم‌زمان با حملات آمریکا و تجاوز به کشور، موج‌های مشکوکی در شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته که به جای محکوم کردن متجاوز، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ایران را مقصر بحران معرفی می‌کنند. خطر این واقعه به هیچ عنوان کمتر از موشک‌هایی که به سمت ما شلیک می‌شوند نیست. آیا واقعاً می‌توان چشم‌ها را بر این حقیقت بست که در میانه جنگ، روایت‌هایی در

یادداشت

علی دایی؛ همسفره آرزومندان بمباران ایران!

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

فردوسی‌پور که همه دین و دنیا و شرافتش در یک برنامه تلویزیونی خلاصه می‌شد و پس از اخراج از شبکه سه چشمش را روی همه چیز بست و تبدیل به «فعال سیاسی» تعدادی اکانت قلبی و عقب‌مانده مجازی شد، در سخت‌ترین جام جهانی ایران، شمشیر را برای تیم ملی کشورش از رو بست و اخیراً هم با دعوت از علی دایی به برنامه زردش، او را در آخرین طعنه‌ها و فحاشی‌ها علیه تیم و بازیکنان ملی شریک خود کرده است. علی دایی با سابقه صفر قهرمانی آسیا و صفر صعود «از» جام جهانی به عنوان بازیکن و صفر صعود «به» جام جهانی به عنوان سرمربی، در این برنامه به تحقیر و تمسخر علیرضا بیرانوند -دروازه‌بان تنها تیم ملی بدون شکست ایران در جام جهانی- پرداخت و با سابقه یک‌شنبه و با زدن سیاستی سرمربی تیم ملی ایران شدن، نقاب مردمی و مستقل بودن به صورت زد. علیرضا بیرانوند در پاسخ به علی دایی نوشت:

«علی دایی در مصاحبه با برنامه‌ای که عوام‌لش برای باخت تیم ملی در جام جهانی دست به دعا برداشته بودند، مرا مورد تمسخر و تحقیر قرار داد... آن روش مذموم که علی دایی با لابی سیاسی سرمربی تیم ملی شد هنوز از یاد کسی نرفته است؛ اما تنها مربی که در استادיום آزادی به عربستان باخته، روی فراموشکاری ما حساب باز کرده... دوست ندارم باور کنم در میانه جنگ علیه ایران، اسطوره مردمی فقط در نوروز نور را بر تاریکی پیروز بدارد تا با این واژه‌ها هم سفره کسانی شود که آرزوی بمباران ایران را داشتند». اظهارات آزادانه و غیرمسئولانه افراد معلوم‌الحالی مثل دایی و فردوسی‌پور در شرایط فعلی به نفع کشور نیست. اگر در روزهایی که آمریکا با هدف قرار دادن زیرساخت‌های کشور به دنبال دست‌درازی به خاک ایران و مقدمه‌سازی حمله زمینی است، برخوردی با سلب‌ریتی‌های پیاده‌نظام دشمن نشود، دیگر چه زمانی قرار است افسار این‌ها جوری کشیده شود که یا گردنشان بشکند و یا سرشان را به سمت منافع ملی بچرخانند؟

تلویزیون

روایت آیین عاشورایی در شبکه نسیم

ویژه برنامه تلویزیونی «دچار» از امروز ساعت ۱۸:۴۵ روی آنتن شبکه نسیم می‌رود؛ برنامه‌ای که سازندگانش آن را تلاشی برای روایت متفاوت آیین عاشورا و آدای دین به ساخت حضرت اباعبدالله (ع) معرفی کرده‌اند. این مجموعه ترکیبی، با حضور چهره‌هایی از حوزه‌های فرهنگی، هنری، ادبی و تاریخی، قرار است طیفی از روایت‌ها، آیین‌ها و جلوه‌های فرهنگ عاشورایی را برای مخاطبان بازخوانی کند. اجرای بخش‌هایی از برنامه را سید محمد سادات اخوی بر عهده دارد و تیتراژ آن با صدای علیرضا پوراستاد شنیده می‌شود. اگر این برنامه بتواند میان روایت مستند، زبان هنری و حس‌پنینه خوانی تلویزیونی توازن برقرار کند، احتمالاً جای خود را در کنداکتور مناسبت‌های مذهبی شبکه نسیم باز خواهد کرد.

در سال‌های اخیر یک جریان در مجالس عزاداری اباعبدالله -عمداً بدون تعمد- با متن‌های ضعیف و عادات بی‌ریشه، بخشی از آیین ریشه‌دار عزاداری اباعبدالله به حاشیه برده است. به همین دلیل اگر برنامه‌هایی مانند «دچار» بتوانند در راستای زنده کردن آیین عاشورایی حرکت کنند، می‌توانند بسیار مفید باشند.